



حرف و نقد تاران
wahed@van@yahoo.com

خزر همچنان در برزخ

گفشت صحبت‌هایی خواهند کرد. پیش از سفر رئیس جمهوری آذربایجان به ایران خبرگزاری‌های مختلف خبر از به توافق رسیدن ایران و جمهوری آذربایجان در مورد خزر دادند. خلف‌الراف نماینده ویژه جمهوری آذربایجان در گفت‌وگوهایی که پیش از سفر الهام علی‌اف به ایران با شبکه‌ها و خبرگزاری‌های مختلف انجام داد، احتمال به توافق رسیدن تهران و باکو و مرزبندی میان دو کشور در خزر را بسیار زیاد دانست از طرف دیگر چنین شایعه شد که دو طرف در سمدآباد ۱۰ سند همکاری و مهم را امضا خواهند کرد. اما آنچه در پایان سفر سه روزه الهام علی‌اف به ایران مشخص شد امضای تنها ۹ سند همکاری به وسیله دو رئیس جمهوری بود.

نکته مهم این ماجرا این بود که در ایران هیچ کس در مورد معمای یک سند امضا نشده سخنی به میان نیاورد اما روس‌ها که با دقت اخبار سفر علی‌اف به ایران را پی‌گیری می‌کردند پس از آگاهی از شکست مذاکرات خزر در سمدآباد اعلام کردند ایران، سازش‌ناپذیرترین کشور ساحلی دریای خزر است. دو روز بعد رادیو اکو مسکو اخباری را پخش کرد که از پیش قابل درک بود ولادیمیر پوتین در یک موضع‌گیری شفافه آشکارا اعلام داشت هرگز در نشست سران کشورهای ساحلی در تهران شرکت نخواهد کرد. پوتین تنها شرط شرکت در اجلاس رهبران کشورهای ساحلی در تهران را توافق همه جانبه در باره تقسیم و تعیین رژیم حقوقی این دریا دانست این در حالی است که دو ماه پیش صفر مراد نیازاف رهبر همیشگی جمهوری ترکمنستان هم با

درک موقعیت ایران در منطقه کوشید در طول یک دهه رهبری جمهوری کوچک آذربایجان روابط بسیار محکم و دوستانه‌ای با همسایه قدرتمند خود (ایران) برقرار کند. علی‌اف پسر نیز به تاسی از مشی پدر ۱۴ ماه پس از به قدرت رسیدن به تهران سفر کرد مرد شماره یک جمهوری آذربایجان سال ۲۰۰۵ میلادی را با سفر به ایران آغاز کرده است گفته می‌شود که در نیمه ماه فوریه وی یک بار دیگر دیداری از مسکو خواهد داشت. بر این اساس سرگئی لاورف وزیر امور خارجه روسیه پیش از پرواز الهام علی‌اف به مسکو به باکو رفت تا در خصوص

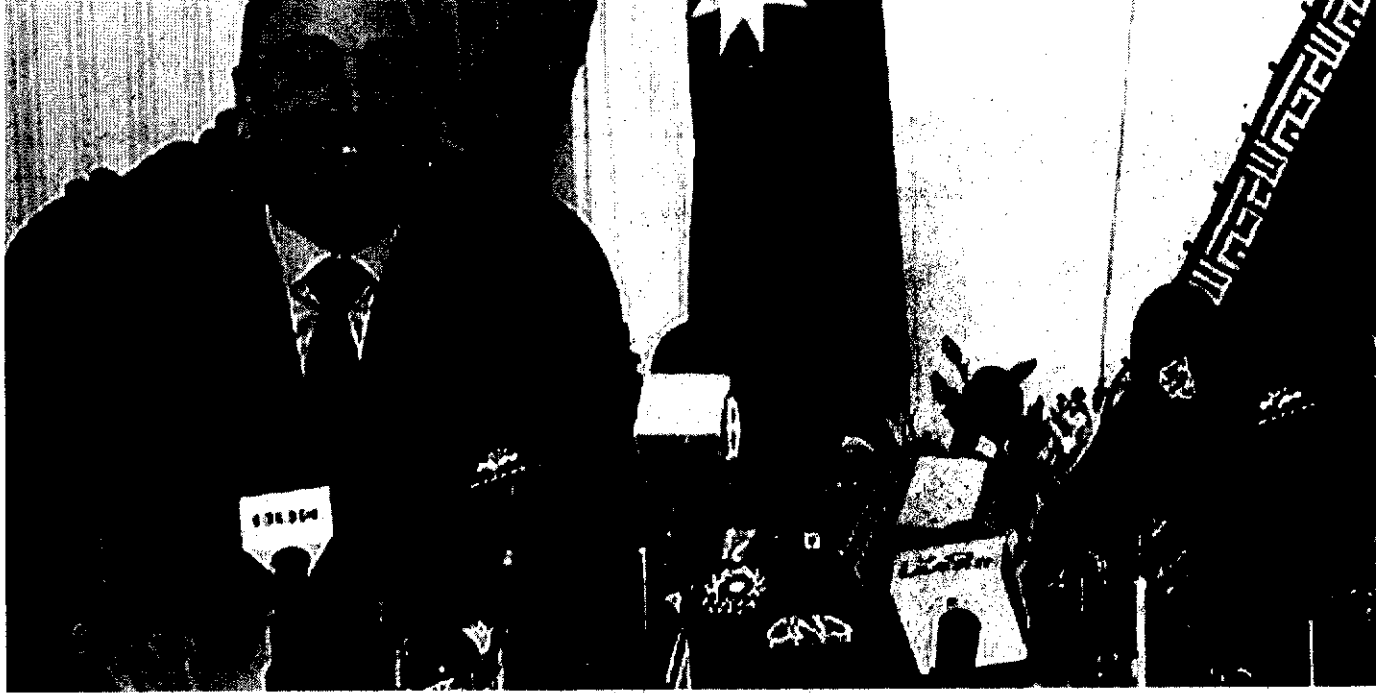
پوتین اعلام کرد که در نشست تهران شرکت نخواهد کرد

محورهای بحث روسای جمهوری دو کشور با وی به گفت‌وگو بنشیند. بی‌شک دو رئیس جمهوری در مسکو در مورد مسایل مختلفی با هم بحث خواهند کرد در این بین علی‌اف باید در مورد کنفرانس ناتو که چندی پیش در باکو برگزار شد و افزایش رفت‌وآمدهای مقام‌های سیاسی و نظامی آمریکا به جمهوری آذربایجان که موجب بروز نگرانی‌هایی در میان رهبران کاخ کرملین شده است به پوتین پاسخ بدهد از سوی دیگر تردیدی نیست که علی‌اف و پوتین در باره موضوع مهم بحرانی خزر و آنچه میان وی و خاتمی در تهران

در حالی که حیدر علی‌اف رئیس جمهور پیشین جمهوری آذربایجان پس از به قدرت رسیدن نخستین سفر خارجی خود را به ایران انجام داد اما فرزند او، الهام علی‌اف که با حمایت و بازی گردانی قدرت‌های منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای توانست در انتخابات ۲۲ مهر ماه ۱۳۸۲ بر رقیبان خود پیروز شود ترجیح داد پس از تکیه زدن به صندلی پدر، نخستین سفر خارجی خود را به جمهوری قذافی روسیه انجام دهد او به زبان روسی بسیار روان‌تر از زبان مادری‌اش (آذری) مسلط است مدت‌ها دانشجوی و سپس استاد روابط بین‌الملل دانشگاه مسکو بود. شاید باین دلیل انتخاب آن سفر را در وابستگی و گرایش علی‌اف پسر به سرزمینی دانست که بیشترین عرصه خود را آن جا سپری کرده است.

معمولا و بر اساس سنت و عرف دیپلماتیک هر رئیس جمهور یا مقام مهم سیاسی که در کشوری به قدرت می‌رسد کوشش می‌کند تا نخستین سفر خود را به کشوری انجام دهد که آن کشور در مبادلات سیاسی، اقتصادی و راهبردی از اهمیت و جایگاه ممتازی در میان سایر کشورهای منطقه و فرمانطقه‌ای برای آن دولت برخوردار است. از این رو اگر چه الهام علی‌اف زمانی شاگرد کلاس‌های تئوریک سیاسی و روابط بین‌الملل بود اما پدر او روزگاری جزو رهبران درجه یک و بازیگران مهم اتحاد جماهیر شوروی بود و اگر نبود آن تمصیبات دینی در میان رهبران بلشویک و پولیت بورو شاید او بر همان صندلی می‌نشست که میخائیل گورباچف بر آن تکیه زد. حیدر علی‌اف را به دلیل زیرکی‌هایی که داشت لقب روباه قفقاز دادند او با

واحد - شماره ۱۷۱ - شماره ۸۷۷ - ۱۳۸۲



ظاهر شدن در تلویزیون ترکمنستان طی سخنانی تند گفت: تا زمانی که وضعیت انتخابات ریاست جمهوری در ایران مشخص نشود من در نشست تهران شرکت نمی‌کنم زیرا برای من مهم است که بدانم در ایران با چه کسی، چه طیف سیاسی و چه گروهی باید سر و کار داشته باشم.

در شرایطی که ولادیمیر پوتین، الهام علی‌اف و نورسلطان نظربایف روسای جمهوری‌های روسیه، آذربایجان و قزاقستان نیز به سان نیاز اف می‌اندیشیدند اما آنها کوشیدند این موضع را به سکوت واگذار کنند. به ویژه پوتین پس از اطمینان از به توافق نرسیدن تهران و باکو در جریان سفر پر طمطراق علی‌اف به ایران از اقدام خود مبنی بر عدم شرکت در کنفرانس سران کشورهای ساحلی خزر پرده برداشت.

با این وجود منابع دیپلماتیک همچنان از تلاش گسترده و متولیان سیاست خارجی ایران برای برگزاری نشست رهبران کشورهای ساحلی در تهران خبر می‌دهند!

حال باید پرسید تهران از این تلاش‌های همه جانبه برای جمع کردن روسای جمهوری کشورهای ساحلی چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ آیا دیپلمات‌های همیشه فعال ما تصور می‌کنند می‌توانند با برگزاری نشست بزرگ تهران به همه بحران‌های خزر پایان دهند؟!

نشست پیشین سران کشورهای ساحلی که دو سال پیش در عشق‌آباد ترکمنستان برگزار شد، تجربه خوبی بود. این نشست به طور مفتضحانه شکست خورد و در آن ایران به شدت تحقیر شد. به

تجوی که سید محمد خاتمی در برابر خواسته‌های رییس‌ان جمهوری‌های روسیه، قزاقستان و آذربایجان طلاقت نیاورده و جلسه را ترک کرد. عجیب این که در همان جلسه دیپلمات‌های ما تلاش‌های خود را برای برگزاری نشست بعدی سران در تهران به کار بستند و از آن تاریخ به بعد بخش عمده‌ای از توان دیپلماتیک ما حول این محور صرف شد. در نشست وزیران امور خارجه کشورهای ساحلی که سال گذشته در مسکو برگزار شد. بار دیگر بر این خواسته ایران تاکید شد. ولی نقشه جغرافیا گویای این واقعیت است که ایران با دو جمهوری آذربایجان و

الهام علی‌اف سال ۲۰۰۵ را با سفر به ایران آغاز کرد

ترکمنستان در خزر همسایه است با قزاقستان کمترین اصطکاک منافع را داریم ولی با روس‌ها بر سر برخی مسایل از جمله مسایل امنیتی، راهبردی، تقسیم در سطح و بستر، شیلات، غیرنظامی شدن دریا و غیره اختلاف نظرها داریم از این رو ایران باید تمامی تلاش‌های خود را بر حل و فصل اختلاف در وهله اول با باکو و در مرحله بعدی با عشق‌آباد متمرکز کند.

حضور الهام علی‌اف در ایران آن‌هم در شرایطی که تهران و باکو عالی‌ترین سطح روابط سیاسی، اقتصادی و... را پشت سر می‌گذارند می‌توانست

فرصت خوبی برای حل و فصل کامل اختلافات و مرزبندی در دریای خزر باشد اما وقتی سیدمحمد خاتمی نتوانست با همتای آذری خود در سعداباد به توافق برسد کار به رهبری کشیده شد و رهبر نیز در دیدار با رییس جمهوری آذربایجان خواستار پایان دادن به بحران خزر به صورت برادرانه شد.

با در نظر گرفتن تمامی این شرایط پرسش اساسی این گونه مطرح می‌شود که تهران وقتی نمی‌تواند با رهبری جمهوری آذربایجان در سعداباد درخصوص مرزبندی در دریای خزر به توافق برسد از تلاش برای کشیدن پای پوتین، نظر بایف و نیاز اف به ایران چه هدفی را دنبال می‌کند؟ اگر حل و فصل اختلاف‌های کشورها در خزر از عهده گروه کاری این کشورها در امور خزر و حتی وزیران کشورهای ساحلی خارج است و این مهم به نشست رهبران موکول شده است، پس چرا سیدمحمد خاتمی در جریان سفر الهام علی‌اف به ایران نتوانست کاری پیش ببرد؟ حضور شخصی به نام نورسلطان نظربایف در کنار الهام علی‌اف در سعداباد چه کمکی می‌توانست و می‌تواند به رییس جمهوری کشورمان کند؟

در آخرین تلاشی که از سوی ایران برای نزدیکی کشورهای ساحلی انجام شد پیشنهاد تشکیل گنوانسیون اعتمادسازی در خزر بود. نماینده ویژه کشورمان در امور خزر در باره‌ی ترتیبات امنیتی از قبیل مبارزه مشترک با مواد مخدر، قاچاق کالا، تروریسم و جنایات سازمان یافته پیشنهادهایی را به همتایان خود داد. اما او اعتراف کرد که هنوز مسایل بحرانی مانند تقسیم بستر و زیربستر دریای



حالت پروز قرار دارد دولت‌های ساحلی این دریا برای بیرون رفتن از بن بست و سکون باید طرحی نو در اندازند تیرگی روابط ایران و ایالات متحده آمریکا موجب سوء استفاده‌هایی از سوی برخی کشورهای ساحلی شده است نماینده ویژه آمریکا در امور دریایا به طور جدی مذاکرات میان کشورهای ساحلی منطقه خزر را دنبال می‌کند در صورتی که اندکی نرمش در سیاست خارجی می‌توانست موقعیت ایران را در میان رفیقان خود بهبود بخشد اما هیچ کس در این راه برداشته نشده افزون بر این ایران با حداقل توان و در دست گرفتن برخی ابتکار عمل‌ها و تحرک بخشیدن به سیاست خارجی خود حداقل در حوزه قفقاز می‌توانست از بروز بسیاری از بحران‌ها جلوگیری کند امری که در دهه نخست پس از فروپاشی شوروی یا سکوت کامل و بی تحرکی سپری شد.

کشورمان با بیان این جمله چه کمکی به منافع ملی کشورمان کرد؟ در حالی که انتظار می‌رفت بحران و اختلاف میان تهران و باکو در حوزه خزر در دیدار سید محمد خاتمی و الهام علی‌اف برای همیشه بر طرف شود اما نه تنها چنین نشد بلکه برخی از مطبوعات غرب‌گرا و مخالف ایران به ویژه روزنامه "آزادلیق" از گسترش روابط تهران - باکو اظهار نگرانی کرده و آن را برای منافع ملی جمهوری آذربایجان که سونای نزدیکی به غرب را دارد مفید ندانستند با نگاهی به عقد قراردادهایی که میان پنج وزیری که علی‌اف را به تهران همراهی کردند با هم‌تایان ایرانی خود و امضای ۹ سند بازگرداندن دو شمشیر نزدیکه شده به ایران را باید مهم‌ترین دستاورد سفر پر سر و صدای الهام علی‌اف و هیات همراه او به ایران دانست شاید اگر این دو شمشیر از جنس طلا بودند از پس دادن آن به ایران باید تردید می‌کردیم.

به هر حال دیپلماسی کشورمان در این حوزه نیاز به تحول دارد ایران هیچ گاه نتوانست و یا نتوانست از ظرفیت و امکانات بالقوه خود در سطح منطقه به ویژه حوزه قفقاز استفاده کند. سیاست به خصوص در بعد خارجی و روابط میان دولت‌ها ظرافت و ابتکار عمل می‌خواهد به نظر می‌رسد اگر تهران بخواهد به این شکل و شیوه به روابط خود با همسایه‌ها به ویژه در قفقاز ادامه بدهد چشم‌انداز حل بحران‌های پیچیده‌ای چون بحران خزر هرگز مثبت نخواهد بود.

صفر مراد نیازآف راست می‌گوید باید تا برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران صبر کرد شاید پس از روی کار آمدن فرد یا جناحی خاص تحولی خاص نیز در سیاست خارجی ایجاد شود!!

سفیر اسبق ایران در باکو در اعتراض به پویا نبودن سیاست خارجی ایران در قفقاز به ویژه جمهوری آذربایجان چنین می‌گوید: من دروازه‌بانی بیش نیستم و تنها نقش من این است که مانع از گل خوردن و باز شدن دروازه کشورم بشوم! اما آیا موفقیت انکارا در راه‌اندازی خط لوله نفتی باکو-تفلیس، جیهان، تحقیر ایرانی از سوی پان‌ترک‌ها، نادیده گرفتن حقوق تهران در دریای خزر و غیره گل‌های مفتی نبود که وارد دروازه ایران شد؟

جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان تقریباً از سال ۱۹۸۸ بر سر منطقه قره‌باغ با یکدیگر مناقشه دارند اکنون پس از یک جنگ ویران‌گر حالت نه جنگ و نه صلح در روابط این دو جمهوری حاکم است این قلم‌دری آن نیست که بگوید قره‌باغ متعلق به کدام جمهوری است و در خصوص حل و فصل این بحران نیز قصد ارایه فرمولی ندارد، اما معتقد است تهران می‌توانست با پیشنهاد میانجیگری در حل و فصل بحران قره‌باغ به الهام علی‌اف دولت جمهوری آذربایجان را به نرمش در سیاست خشک خود در خزر متقاعد نماید.

شگفتا که سیدمحمد خاتمی در سفر تابستان خود به جمهوری آذربایجان با قرار گرفتن جلوی دوربین‌های خبرنگاران و خبرگزاری‌ها با صراحت اعلام می‌کند قره‌باغ متعلق به جمهوری آذربایجان است. در حالی که رئیس جمهور کشورمان با بازی با کلمات که اتفاقاً از شکردهای او نیز است و در این زمینه تبحر و تخصص خاصی دارد می‌توانست کلماتی را سر هم بیاورد که موجب رنجش متحد سنتی و همیشگی خود (جمهوری ارمنستان) نشود. اکنون پرسش اینجاست که رئیس جمهوری

خزر، عبور خطوط لوله نفت و گاز، کابلی‌گذاری، نظامی شدن، توان‌زینته ترتیبات امنیتی و حتی مسائل محلی است از موضوع‌های پیچیده این پهنه آبی است گفته می‌شود کشورهای ساحلی در خصوص باقرصد این مسائل به توافق‌هایی رسیده‌اند اما فصل ۲۳ درصد بعدی که از خطوط لوله این کشورهاست به این سادگی و در زمان کوتاه ممکن نیست.

شانزدهمین نشست گروه کاری که ماه گذشته در عشق‌آباد ترکمنستان برگزار شد با تنش‌هایی که میان جمهوری آذربایجان و ترکمنستان بروز کرد به شکست انجامید باکو و عشق‌آباد بر سر مالکیت برخی حوزه‌های نفتی اختلاف نظرهای عمیقی دارند که حل و فصل آن در آینده نزدیک بعید به نظر می‌رسد تنها یک هفته به آغاز برگزاری نشست شانزدهم عشق‌آباد مطبوعات باکو به نحوه بهره‌برداری ترکمن‌ها از حوزه‌های مورد مناقشه به شدت اعتراض کردند و یک روز پس از پایان این نشست نیز وزارت امور خارجه ترکمنستان با صدور اطلاعاتی از شکایت به سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی برای حل و فصل بحران خزر خبر داد. با این همه نمایندگان تمامی کشورهای ساحلی خزر نشست شانزدهم را پر بار و موفقیت‌آمیز توصیف کردند! این جملات شیرین معمولاً به صورت کلیشه‌ای در پایان تمامی نشست‌هایی که در سطح گروه کاری تشکیل شده از سوی معاونان وزیران امور خارجه هر پنج کشور ساحلی به زبان رانده شده است. با این همه مقرر شد نشست هفدهم گروه کاری در تهران برگزار شود.

واقعیت این است که وضعیت دریای خزر در

